



دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی  
پایان نامه جهت اخذ مدرک کارشناسی ارشد  
علوم تربیتی

موضوع:

بررسی تفکر در دوره دوم کودکی بر اساس آموزه های دینی

استاد راهنما: خانم دکتر ایراندخت فیاض

استاد مشاور: آقای دکتر عنایت شریفی

استاد داور: آقای دکتر سعید بهشتی

پژوهشگر: مریم ملوکانه

تیرماه ۱۳۹۲

## چکیده:

تفکر در اسلام از جایگاه والایی برخوردار می باشد و تربیت انسانهای متفکر و صاحب اندیشه از اهداف بسیار مهم تعلیم و تربیت اسلامی می باشد. همچنین دوران کودکی بخصوص دوره ی دوم از ظرفیت های ویژه ای برای پرورش برخوردار می باشد؛ لذا در پژوهش حاضر به بررسی تفکر در دوره ی دوم کودکی بر اساس آموزه های دین اسلام می پردازیم. این پژوهش شامل پنج پرسش می باشد که عبارتند از: سوال اصلی؛ تفکر در دوره ی دوم کودکی بر اساس آموزه های دین اسلام چگونه است؟ سوالات فرعی: فواید پرورش تفکر در دوره دوم کودکی بر اساس آموزه های دین اسلام چیست؟ عوامل موثر بر پرورش تفکر در دوره دوم کودکی بر اساس آموزه های دین اسلام چیست؟ موانع موجود برای پرورش تفکر در دوره دوم کودکی بر اساس آموزه های دین اسلام چیست؟. روش های پرورش تفکر در دوره دوم کودکی بر اساس آموزه های دین اسلام چیست؟

پاسخ سوال اصلی پژوهش شامل چهار محور می باشد که در سوالات فرعی به آنها پرداخته می شود و در این قسمت خلاصه ای از آنها بیان می گردد. فواید پرورش تفکر در این دوره بر اساس یافته های تحقیق اجمالا به دو گروه تقسیم شد که عبارتند از: فواید دنیوی (کمک به رشد اخلاقی، اجتماعی، شناختی و عاطفی) و فواید اخروی (کمک به رشد اعتقادی). عوامل موثر بر پرورش تفکر در این دوره بدین شرح می باشند: وجود مادر و خانواده شایسته، پرورش قوای حسی کودکان، دقت و مطالعه در آیات و نشانه های الهی، سیر و سیاحت در زمین و عبرت آموزی از آن، مثل آوردن و شنیدن و بررسی نظرات دیگران. فراهم آوردن امکان اندیشه ورزی، تجزیه و تحلیل، تحقیق و پژوهش برای کودکان. موانع پرورش تفکر در دوره ی دوم کودکی بر اساس آموزه های دین اسلام عبارتند از: جهل و نادانی، بی دقتی، کم توجهی، رشد نایافتگی حواس یا عدم استفاده صحیح از آن، سطحی نگری، ناتوانی در تشخیص مسائل، عدم توجه به ابعاد مختلف یک موضوع، غفلت و فراموشی، ضعیف بودن قدرت حافظه، پیروی و تقلید از دیگران و تاثیر پذیری علایق. اما روش های پرورش تفکر در این دوره بدین شرح می باشد: خوب دیدن، خوب گوش کردن، استفاده از عبارات حسی و تصویری، مثل آوردن، تذکر و فعال نگاه داشتن دغدغه و توجه، مقایسه امور متقابل، افزایش گنجینه داده های ذهنی و ارائه اطلاعات اولیه، پند آموزی از سرنوشت گذشتگان، پرسشگری. این تحقیق از نوع کاربردی و روش آن توصیفی- تحلیلی است. روش جمع آوری اطلاعات کتابخانه ای و روش تجزیه و تحلیل اطلاعات، تحلیل محتوا است.

**واژگان کلیدی:** تفکر<sup>۱</sup>، دوره ی دوم کودکی<sup>۲</sup>، آموزه های دینی<sup>۳</sup>.

<sup>۱</sup> . Thinking

<sup>۲</sup> . Second period childhood

<sup>۳</sup> .religious teachings

## فصل اول: کلیات تحقیق

- ۱-۱. مقدمه ..... ۲
- ۲-۱. بیان مسئله: ..... ۳
- ۳-۱. اهمیت و ضرورت تحقیق ..... ۶
- ۴-۱. اهداف تحقیق ..... ۱۰
- ۱-۴-۱. هدف کلی: ..... ۱۰
- ۲-۴-۱. اهداف فرعی: ..... ۱۰
- ۵-۱. سوال های تحقیق ..... ۱۰
- ۱-۵-۱. سوال اصلی: ..... ۱۰
- ۲-۵-۱. سوالات فرعی: ..... ۱۰
- ۶-۱. تعریف مفاهیم تحقیق ..... ۱۱
- ۱-۶-۱. تفکر ..... ۱۱
- ۲-۶-۱. پرورش ..... ۱۲
- ۳-۶-۱. دوره کودکی ..... ۱۲
- ۴-۶-۱. آموزه های دینی ..... ۱۳

## فصل دوم ادبیات تحقیق

- ۱-۲. مقدمه ..... ۱۵
- ۲-۲. بخش اول ..... ۱۵
- ۱-۲-۲. دوران کودکی از منظر اسلام ..... ۱۵
- ۲-۲-۲. ضرورت توجه به تربیت در دوران کودکی ..... ۱۶
- ۳-۲. بررسی دوره های کودکی و ویژگی های آن ها ..... ۲۳
- ۱-۳-۲. دوره ی اول کودکی (از ۲ تا ۷ سالگی) ..... ۲۳
- ۲-۳-۲. دوره دوم کودکی (از ۷ تا ۱۱ سالگی) ..... ۲۷
- ۳-۳-۲. دوره ی نوجوانی از ۱۱ سالگی به بعد ..... ۳۳

۳۶	۵-۲. بررسی تفکر
۳۶	۱-۵-۲. لغوی
۳۶	۶-۲. بررسی واژه های مرادف با تفکر
۳۷	تعقل
۳۷	رابطه تعقل و تفکر
۳۹	۷-۲. مراتب و درجات تفکر
۳۹	۱-۷-۲. از دیدگاه امام خمینی
۳۹	۲-۷-۲. از دیدگاه شهید مطهری
۴۰	۸-۲. بررسی ابعاد تفکر
۴۲	۹-۲. تفکر و تعقل از منظر اسلام
۴۲	۱-۹-۲. تفکر در قرآن
۴۶	۲-۹-۲. بررسی تفکر در روایات
۴۶	فضیلت تفکر در روایات
۴۸	نتایج تفکر در روایات
۴۸	۳-۹-۲. تفکر در سیره رسول اکرم (ص)
۵۰	۱۰-۲. بیان دیدگاه های دانشمندان غربی در زمینه تفکر و رشد شناختی
۵۰	۱-۱۰-۲. بررسی دیگاه پیاژه در رشد شناختی
۵۳	۲-۱۰-۲. دیدگاه پردازش اطلاعات و بررسی اجزای تفکر در دوره ی دوم کودکی
۵۳	۳-۱۰-۲. نظریه برونر در رشد شناختی
۵۵	۴-۱۰-۲. نظریه ویگوتسکی درباره رشد شناختی
۵۶	۱۱-۲. مقایسه نظریه های رشد شناختی
۵۶	۱-۱۱-۲. مقایسه نظریه های رشد شناختی ویگوتسکی و پیاژه
۵۷	۲-۱۱-۲. مقایسه نظریه های رشد شناختی برونر و ویگوتسکی
۵۷	۱۲-۲. دیدگاه نظریه پردازان زبان شناس درباره تفکر
۵۷	۱۳-۲. بحث و بررسی پیرامون مسائل مربوط به تفکر کودکان

۷۰.....	۱۴-۲. جمع بندی و نتیجه گیری بخش اول
۷۳.....	۱۵-۲. بخش دوم: پیشینه ی تحقیق
۷۳.....	۱۵-۲-۱. تحقیقات انجام شده در داخل کشور:
۷۹.....	۱۵-۲-۲. تحقیقات انجام شده در خارج کشور:
۸۱.....	جمع بندی بخش دوم

#### فصل سوم: روش شناسی تحقیق

۸۳.....	۱-۳. مقدمه
۸۳.....	۲-۳. نوع تحقیق
۸۴.....	۳-۳. روش تحقیق
۸۵.....	۴-۳. روش گردآوری اطلاعات
۸۵.....	۵-۳. روش تجزیه و تحلیل اطلاعات

#### فصل چهارم: یافته های تحقیق

۸۷.....	۱-۴. مقدمه
۸۸.....	۲-۴. بخش اول: فواید پرورش تفکر در دوره دوم کودکی بر اساس آموزه های دینی چیست؟
۸۸.....	کمک به رشد اعتقادی
۹۱.....	کمک به رشد اخلاقی
۹۳.....	کمک به رشد اجتماعی
۹۵.....	کمک به رشد شناختی
۹۶.....	کمک به رشد عاطفی
۹۷.....	جمع بندی فواید پرورش تفکر در دوره ی دوم کودکی بر اساس آموزه های دینی
۹۹.....	۳-۴. بخش دوم: عوامل موثر بر پرورش تفکر در دوره ی دوم کودکی بر اساس آموزه های دینی چیست؟
۹۹.....	۱-۳-۴. مقدمه
۹۹.....	۲-۳-۴. عوامل وراثتی
۱۰۰.....	۳-۳-۴. پرورش قوای حسی
۱۰۱.....	۴-۳-۴. دقت در نشانه های الهی

- ۱۰۲..... ۵-۳-۴.سیر در زمین
- ۱۰۳..... ۶-۳-۴.دقت در امثال و قصه های تفکر برانگیز
- ۱۰۵..... ۷-۳-۴.شنیدن و بررسی نظرات مختلف
- ۱۰۶..... ۸-۳-۴.فراهم آوردن امکان اندیشه ورزی و گشودن باب فلسفه بر روی کودکان
- ۱۰۶..... ۹-۳-۴.فراهم آوردن امکان تجزیه و تحلیل و نه تقلید برای کودکان
- ۱۰۷..... ۱۰-۳-۴.فراهم آوردن باب خود میزانی و نه خود بینی بر روی کودکان
- ۱۰۷..... ۱۱-۳-۴.فراهم آوردن باب مهر محبت و نه ترس و اطاعت بر روی کودکان
- ۱۰۸..... ۱۲-۳-۴.فراهم آوردن امکان تحقیق و پژوهش و نه روایت و گزارش
- ۱۰۸..... ۱۳-۳-۴.جمع بندی و نتیجه گیری در زمینه عوامل موثر بر پرورش تفکر در دوره ی دوم کودکی بر اساس آموزه های دین
- ۱۱۱..... ۴-۴.بخش سوم : موانع موجود برای پرورش تفکر در دوره دوم کودکی بر اساس آموزه های دینی چیست؟
- ۱۱۱..... ۱-۴-۴. مقدمه
- ۱۱۱..... ۲-۴-۴.بررسی موانع کلی برای شکل گیری و پرورش تفکر بر اساس آموزه های دین
- ۱۱۱..... ۱-۲-۴-۴. جهل
- ۱۱۳..... ۲-۲-۴-۴. غفلت
- ۱۱۵..... ۳-۲-۴-۴. کبر و غرور
- ۱۱۶..... ۴-۲-۴-۴.پیروی های کورکورانه
- ۱۱۸..... ۵-۲-۴-۴. تاثیر پذیری از دوستی ها و علائق
- ۱۱۹..... ۶-۲-۴-۴.جمع بندی موانع موجود برای پرورش تفکر در دوره ی دوم کودکی بر اساس آموزه های دین
- ۱۲۱..... ۵-۴. بخش پنجم: روش های پرورش تفکر در دوره دوم کودکی بر اساس آموزه های دینی چیست؟
- ۱۲۱..... ۱-۵-۴.مقدمه
- ۱۲۲..... ۲-۵-۴.خوب دیدن
- ۱۲۳..... ۳-۵-۴. خوب گوش کردن
- ۱۲۳..... ۴-۵-۴. استفاده از عبارات حسی و تصویری
- ۱۲۴..... ۵-۵-۴. مثل آوردن
- ۱۲۵..... ۶-۵-۴.تذکر : فعال نگاه داشتن دغدغه و توجه

۱۲۶.....	۴-۵-۷. مقایسه امور متقابل .....
۱۲۷.....	۴-۵-۸. ارائه اطلاعات .....
۱۲۷.....	۴-۵-۹. پند آموزی از سرنوشت گذشتگان .....
۱۲۹.....	۴-۵-۱۰. پرسشگری .....
۱۳۰.....	۴-۵-۱۱. پاسخ سوال پنجم .....
۱۳۱.....	۴-۶. بخش پنجم: سوال اصلی پژوهش .....

#### فصل پنجم: نتایج و پیشنهادهای

۱۳۵.....	۵-۱. مقدمه .....
۱۳۵.....	۵-۲. خلاصه ی یافته ها .....
۱۳۹.....	۵-۳. بحث و نتیجه گیری .....
۱۴۴.....	۵-۴. پیشنهادهای تحقیق .....
۱۴۴.....	۵-۴-۱. پیشنهادهای پژوهشی .....
۱۴۴.....	۵-۴-۲. پیشنهادهای کاربردی .....
۱۴۵.....	۵-۵. محدودیت های تحقیق .....
۱۴۷.....	منابع و ماخذ .....

# فصل اول

## کلیات تحقیق



## ۱-۱. مقدمه

در دین مبین اسلام در موارد فراوانی به برتری انسان بر سایر موجودات تاکید شده است از جمله خداوند در سوره اسراء فرموده اند " وَ لَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَ حَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَ الْبَحْرِ..... وَ فَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا " <sup>۱</sup> که مرحوم علامه طباطبایی (ره) در تفسیر المیزان ذیل این آیه می فرماید: مقصود از تکریم اختصاص دادن به عنایت و شرافت دادن به خصوصیتی است که در دیگران نباشد، و بنی آدم در میان سایر موجودات عالم از یک ویژگی و خصیصه‌ای برخوردار گردیده و به خاطر همان خصیصه است که از دیگر موجودات جهان امتیاز یافته و آن عقلی است که بوسیله آن حق را از باطل و خیر را از شر و نافع را از مفید تمییز می دهد (موسوی همدانی، ۱۳۷۴: ۲۱۴).

علاوه بر این قوه تعقل و تفکر انسان در آیات فراوانی مورد توجه قرار گرفته از جمله " وَ سَخَّرَ لَكُمْ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا مِنْهُ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ " <sup>۲</sup> آنچه در آسمان و زمین است را مسخر شما گردانید و این‌ها همه از سوی اوست، در این کار نیز برای مردم با فکر آیاتی از (قدرت الهی) کاملاً پدیدار است (الهی قمشه ای، ۱۳۸۰: ۴۹۹).

" لَوْ أَنْزَلْنَا هَذَا الْقُرْآنَ عَلَى جَبَلٍ لَرَأَيْتَهُ خَاشِعًا مُتَصَدِّعًا مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ وَ تِلْكَ الْأَمْثَالُ لِنَضْرِبُهَا لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ " <sup>۳</sup> و اگر ما این قرآن (عظیم الشان) را (به جای دل‌های خلق) بر کوه نازل می کردیم مشاهده می کردی که کوه از ترس و عظمت خدا خاشع، ذلیل و متلاشی می گشت و این امثال را برای مردم بیان می کنیم باشد که اهل (عقل) و فکرت شوند (همان: ۵۴۸).

و اما بعضی از روایات در این زمینه، حضرت موسی بن جعفر علیه السلام می فرمایند: "یا هشام ان لكل شيء دليلا و دليل العقل التفكير و دليل التفكير الصمت" ای هشام برای هر چیز دلیل و راهنمایی وجود دارد و دلیل عقل، تفکر و دلیل تفکر سکوت می باشد. و امام صادق علیه السلام فرمودند: "افضل العباده إدمان التفكير في الله و في قدرته" بهترین عبادت‌ها تفکر در باره خدا و قدرت اوست (امینی، ۱۳۸۷: ۳۴۰).

و امیر المومنین علیه السلام می فرماید: "لا علم كالتفكير" هیچ دانشی همسان تفکر نیست (اسحاقی، ۱۳۸۷: ۴۶).

<sup>۱</sup>. سوره اسراء، آیه ۷۰

<sup>۲</sup>. سوره جاثیه، آیه ۱۳

<sup>۳</sup>. سوره حشر، آیه ۲۱

با توجه به آیات و روایات ذکر شده به اهمیت ویژه ایی که دین اسلام برای تفکر و تعقل قائل شده پی می بریم. در این تحقیق به بررسی تفصیلی تر تفکر در دوره کودکی از منظر آموزه های دینی خواهیم پرداخت و در ادامه به پرورش تفکر در دوره دوم کودکی، فواید، عوامل و موانع و شیوه های پرورش آن می پردازیم.

## ۱-۲. بیان مسئله:

خوشبختانه در سال های اخیر روان شناسان پرورشی و دیگر صاحب نظران از تاکید زیاد مدارس بر انتقال دانش و اطلاعات به دانش آموزان انتقاد کرده و معلمان را بیشتر به پرورش مهارت های اندیشیدن و تفکر در یادگیرندگان سفارش کرده اند (سیف، ۱۳۸۸: ۱۷۴).

و با تحول مبانی نظری و ماهیت علم رویکرد های جدیدی در تعیین اهداف تربیتی و فرآیند آموزش مطرح شده است. یکی از بارزترین رویکرد ها در این زمینه، توجه به تفکر در فرآیند یاددهی- یادگیری است. (لیپمن<sup>۱</sup>، انیس<sup>۲</sup> و پاول<sup>۳</sup>، ۱۹۸۹) معتقدند که تربیت انسان های صاحب اندیشه باید نخستین هدف تعلیم و تربیت باشد. به نظر پاول، محصول نهایی تعلیم و تربیت باید "ذهن کاوشگر" باشد (شعبانی، ۱۳۸۲: ۱۱).

استدلالی که در زمینه آموزش تفکر روز به روز بیشتر ترقی می کند این است که تفکر جزء ذاتی رشد انسان است و حق ما است که به پرورش استعداد های خاص یک انسان پردازیم. پرورش ذهن خود قسمتی از تعلیم و تربیت است، و این همان انسان بودن است. طبق این نگرش کار اصلی تعلیم و تربیت، آموزش تفکر انتقادی، خلاق و کارآمد به کودکان است (فیشر، ۱۳۸۸: ۱۴).

از جمله دلالت های آموزشی و پرورشی پرداختن به مسئله آموزش تفکر به کودکان این است که ما باید روی آموزش مهارت های ضروری برای دریافت اطلاعات، سازماندهی اطلاعات و استفاده از اطلاعات تمرکز کنیم. اگر بخواهیم کودکان را برای چالش های آینده آماده کنیم باید مهارت های ویژه ای را به آنان بیاموزیم تا بر اساس آن بتوانند بر زندگی و یادگیری خود مسلط شوند، زیرا برای یادگیری نباید پایدانی در نظر گرفت. آنان به دانش نیازمند هستند، اما مهمتر از آن، به قابلیت کسب دانش جدید نیازمند اند، به دانشی که خود به دست آورده باشند (با به تعبیر صحیح تر) دانشی که خود تولید یا باز تولید کرده باشند. همچنین آنان باید در مورد آینده ی خودشان نگرشی مبتنی بر ذهنی باز و فراخ اندیش داشته باشند. شالوده ی مهارت های فکری باید از همان سالهای اولیه زندگی پی ریزی شود؛ زیرا فراخ اندیشی در همان سالهایی که شخصیت کودک شکل می گیرد- یعنی زمانی که هویت او به عنوان یک شخص متفکر در حال شکل گیری است آغاز می شود. در طول دوره ای که کودکان بزرگ تر شده و بزرگسال می شوند، تمایل روز افزونی به جزم اندیشی و داشتن ذهن بسته در آن ها

1. Lipmann

2. Ennis

3. Paul

وجود دارد، می توان به کودکان اصول استدلال کردن، نحوه ی استفاده از دلیل به عنوان ابزاری برای یادگیری را آموزش داد تا ارزش و منزلت ظرفیت فکری خود را بدانند. برای رسیدن به چنین هدف هایی باید به کودکان فرصت داد تا خودشان افکار و اندیشه های خود را کشف کنند، ایده های خود را در قالب واژه ها بیان کنند، نظریات خویش را ارائه دهند و به توجیه باورهای خود بپردازند. آنان نیاز دارند که خود را به عنوان افرادی توانا، متفکر و با احساس کشف کنند (فیشر، ۱۳۸۶: ۱۱).

با توجه به مطالب ذکر شده، پرداختن به تفکر و آموزش آن به کودکان بسیار مورد توجه قرار گرفته است و برنامه های مختلفی در این زمینه به وجود آمده. از جمله برنامه (فلسفه برای کودکان) که حدود بیست سال پیش توسط ماتیو لیمپن در آمریکا مطرح شد و در کشورهای زیادی به اجرا در آمد.

لیپمن معتقد است که تفکر باید مدت ها قبل از دوره ی تحصیلات دانشگاهی مورد توجه قرار گیرد و به تدریس آن پرداخته شود، به طوری که وقتی دانش آموزان از دبیرستان فارغ التحصیل می شوند تفکر مستقل و ماهرانه برای او به یک عادت تبدیل شده باشد. (همان: ۲۶۷).

لیپمن در جواب این سوال که اگر هدف تعلیم و تربیت آموزش طریقه ی تفکر به افراد جوان است، چرا سیستم تعلیم و تربیت این قدر افراد غیر متفکر به وجود می آورد؟ اینطور بیان می کند: "ما به اندازه ی کافی کودک را به تفکر مستقل، قضاوت مستقل، افتخار کردن به برداشت های شخصی خویش، افتخار به داشتن نوعی دیدگاه در مورد مسائل که او می تواند آن دیدگاه را خاص خود بداند و راضی بودن به قدرت استدلال خود تشویق نمی کنیم" (همان).

او معتقد است به محض این که کودک اولین سال تحصیل خود را شروع کند باید به سرعت در این مورد اقدام کنیم و بهبود وضعیت فکری او را به عنوان هدفی در نظر بگیریم که به همه ی حوزه های یادگیری اش نفوذ می کند. علاوه بر این، باید خود تفکر [و نه تفکر در باره ی چیزی] را به عنوان یک موضوع مورد مطالعه به کودکان ارائه دهیم (همان).

لیپمن مدعی است که کودکان با عطش کنجکاوی و اشتیاق یادگیری وارد مدرسه می شوند، اما رفته رفته این کنجکاوی و شور و شوق دانستن و درک کردن محو می شود. لیپمن دلیل آن را مستقیماً ناشی از تأثیرات تعلیم و تربیت سنتی می داند. وی می گوید ما باید بیش تر به استعداد های خدا داده ایی بپردازیم که کودکان با خود به مدرسه می آورند؛ کنجکاوی و بی تابی در طلب مفاهیم. لیپمن استدلال می کند همین ناتوانی مدرسه در برآوردن این نیازها است که برخی کودکان را از مدرسه بیزار می کند. بر همین اساس او فلسفه را به عنوان یک واحد درسی پیشنهاد می کند تا به کودکان آموزش تفکر داده شود، چرا که به عقیده ی وی این درس به پرورش مهارت های استدلال می پردازد، یعنی آن چه برنامه ی تحصیلی کنونی کم دارد و آن چه موجب افزایش عزت نفس و گسترش ارزش های اخلاقی می شود. به اعتقاد وی آنچه لازم داریم درسی است که ذهن

ما را برای تفکر در زمینه ی درس های دیگر آماده کند و فلسفه از دیر باز این نقش را ایفا می کرده است (فیشر، ۱۳۸۸: ۴۸).

علاوه بر این برنامه ها، تحقیقات و مقالات فراوانی در موضوع تفکر تدوین گردیده، که نظر به بررسی های نگارنده اغلب در زمینه هایی مانند تفکر انتقادی و تفکر خلاق، ویژگی ها و عوامل و موانع موثر بر پرورش آن ها بوده و در مواردی هم به بررسی تفکر و تعقل در منابع اسلامی از جمله قرآن و روایات پرداخته شده، که بیشتر آنها ناظر به بررسی نظری تفکر، منابع، مراتب، عوامل موثر و آسیب زای تفکر بوده اند.

اگرچه مسئله تفکر و آموزش آن به کودکان از اهمیت فوق العاده ای برخوردار است لیکن در طرح های پژوهشی محدودی به این موضوع از منظر منابع دینی پرداخته شده، ضمن اینکه دوره ی کودکی بخصوص از ۷ تا ۱۱ سالگی در دین اسلام دارای جایگاه ویژه ای می باشد و به ضرورت آغاز تعلیم و تادیب در این رده اشاره شده « دَعِ اِبْنَكَ يَلْعَبُ سَبْعَ سِنِينَ وَ يُؤَدَّبُ سَبْعَ سِنِينَ<sup>۱</sup> » و در مطالعات مختلف به خصایصی از این دوره از جمله آمادگی برای پذیرش تعلیم و تادیب در همه زمینه ها، تاکید شارع اسلام بر یادگیری در این مرحله ، رسیدن به قوه تمییز و تشخیص در حد متوسط ، حافظه قوی و فعال، افزایش سرعت یادگیری و رشد تفکر و ..... اشاره شده که نشان دهنده ی ظرفیت های خاص آن برای رشد و پرورش تفکر می باشد. بنابراین در این تحقیق به طور گسترده تر به مبحث تفکر در دوره کودکی با توجه به آموزه های دینی پرداخته می شود و آیات و روایات در زمینه تفکر و دوره ی دوم کودکی بررسی می شود و در آخر با توجه به ویژگی های این دوره براساس تعالیم دین و روان شناسی، به تحلیل فواید، عوامل، موانع و روش های موجود برای پرورش تفکر در دوم کودکی می پردازیم.

<sup>۱</sup>.حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۱۹۴

## ۱-۳. اهمیت و ضرورت تحقیق

به کار انداختن نیروی فکری (تفکر) موجب تقویت و پرورش عقل است، تفکر از مختصات آفرینش انسان و آمیخته با سرشت او و موهبتی است که خدای متعال به وی ارزانی داشته است. در بیانات امام علی علیه السلام به اشکال گوناگون از تاثیر تربیتی تفکر در رشد و شکوفایی عقل سخن به میان آمده، از جمله بیانات ایشان در این زمینه عبارتند از:

"الفکر ینیر اللب" فکر روشنی بخش عقل است.

"الفکر جلاء العقول" فکر جلا دهنده عقل ها است.

"الفکر یهدی الی الرشاد" اندیشیدن، به راه راست رهنمون می کند.

"من طالت فکرته حسنت بصیرته" کسی که فکر بیشتری می کند، بصیرتش زیبا شود (بهشتی، ۱۳۸۰: ۱۵۲).

عقل و تفکر اساس برتری و کرامت انسان است، این مطلب هم مورد تایید اسلام است و هم شواهد عینی و تجربی دارد، اما دیدگاه اسلام در این زمینه، از قرآن و کلمات پیشوایان معصوم علیه السلام به دست می آید، برای نمونه، قرآن، از کسانی که اهل تفکر و تفقه نیستند به "چارپایان و گمراه تر از چارپایان تعبیر کرده است" لَهُمْ قُلُوبٌ لَا يَفْقَهُونَ بِهَا وَ لَهُمْ أَعْيُنٌ لَا يُبْصِرُونَ بِهَا وَ لَهُمْ آذَانٌ لَا يَسْمَعُونَ بِهَا أُولَئِكَ كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ أُولَئِكَ هُمُ الْغَافِلُونَ<sup>۱</sup> تجربه هم نشان داده انسان فاقد عقل، حیوانی بیش نیست. در سطح بالاتر، جوامعی که اهل اندیشه و تعقل بوده اند، از حیث فرهنگ، تمدن، اخلاق و معنویت همواره پیشرفت و تکامل داشته اند. روشن است که تحقیق درباره پرورش چنین موهبتی اهمیت ویژه ای خواهد داشت. (همان: ۳۷)

تاکید فراوان قرآن و روایات بر تعقل و تفکر: دعوت قرآن به تفکر و تدبر درباره مبدأ و معاد و ضرورت وجود دین و نبوت، اقسام براهین عقلی بر این موارد، درخواست از کافران و مشرکان برای ارائه دلیل و برهان، تصریح اخبار و روایات به معیار بودن عقل در شناخت حقایق اساسی هستی، دعوت به تعقل و تفکر درباره این حقایق (همان).

و تفکر را به عنوان یک عبادت بلکه بهترین عبادت ها معرفی می نمایند از جمله: امام صادق علیه السلام می فرماید "أفضل العباده إيمان التفکر فی الله و فی قدرته" بهترین عبادت ها تفکر درباره خدا و قدرت اوست. آقای ابراهیم امینی در کتاب اسلام و تعلیم و تربیت در این زمینه اینطور بیان می کنند: اسلام به اندیشیدن کاملاً عنایت داشته، گمان نمی کنم در هیچ یک از ادیان آسمانی به مقدار اسلام نسبت به تفکر و تعقل توجه شده باشد، به طوری که می توان اسلام را به عنوان دین طرفدار تفکر و تعقل معرفی کرد. (امینی، ۱۳۸۷: ۳۴)

<sup>۱</sup>. سوره اعراف، آیه ۱۷۹

انسان با اندیشیدن به خداوند، انسان، جهان و تاریخ (که به تفکر درباره آن ها دعوت شده) حقایق امور را در می یابد و بستر کمال خویش را مهیا می سازد و مشمول رحمت الهی می شود. امیر المومنین علیه السلام در ضمن خطبه ای می فرماید: "رحم الله امرءا تفکر فاعتبر، و اعتبر فأبصر" خدا رحمت کند انسانی را که بیندیشد و پند بگیرد و بپذیرد<sup>۱</sup> (اسحاقی، ۱۳۸۷: ۴۷).

همه این موارد نشان دهنده اهتمام ویژه دین اسلام به تفکر و تعقل می باشد در این صورت انجام پژوهشی در این حیطه حائز اهمیت بسیاری می باشد.

بخشی از اهمیت پرداخت به موضوع تفکر مربوط به جنبش های جدید در این زمینه می باشد که این گونه توضیح داده می شود: بیشتر دلایل پیگیری گسترش مهارت های تفکر و یادگیری، موثر یا واقع بینانه اند و به موفقیت فرد و اجتماع می پردازند. این نگرش در فضایی ظهور می کند که مجامع بین المللی نگران افول معیار های تعلیم و تربیت هستند. جنبش های بازگشت به مبانی اولیه در بسیار از کشورها از جمله بریتانیا، آمریکا و استرالیا در حال شکل گیری است. هم زمان، بر سر این موضوع نیز بحث می شود که باید اصول سه گانه خواندن، نوشتن و حساب با اصل چهارمی به نام استدلال تکمیل شود. این نگرش رو به مبانی اولیه، اظهار می کند پایه اصلی رشد معیارها، آموزش تفکر و استدلال است. این نگرش مدعی است که مهمترین سرمایه ی هر جامعه، تدابیر هوشمندانه ی افراد آن است. جامعه موفق، جامعه ای متفکر است، جامعه ای که در آن استعداد علم آموزی به شهروندان به کامل ترین حد و دائم العمر، شکوفا شود (فیشر، ۱۳۸۸: ۲۲).

اینکه به بچه ها یاد داد متفکرانی بهتر شوند، کاری منطقی و اخلاقی است و می توان آن را به منزله ی تحقق طبیعت انسانی افراد در اثر فرآیند ویژه ی آموزش و پرورش دانست (همان: ۲۴).

با توجه به این توضیحات، پرداختن به تفکر و استدلال کردن به عنوانی اصلی در آموزش مد نظر قرار گرفته شده و این بیانگر اهمیت روز افزون این امر می باشد و انجام پژوهش هایی در این زمینه را به خوبی توجیح می کند.

بخشی از ضرورت متعارف در پرداخت به آموزش تفکر نتیجه ی افزایش آگاهی از این نکته است که جامعه تغییر کرده و مهارت هایی که برای نسل قبل مفید بوده اند، دیگر نمی توانند دانش آموزان را برای جهان خارج از مدرسه مجهز کنند. آهنگ تحولات در سطح اجتماع چنان شتاب گرفته که دیگر تعیین سواد واقعی مورد نیاز آیندگان دشوار است و این امر مدارس را ملزم می کند توجه خود را کمتر به ارائه اطلاعات و بیش تر به آموزش یادگیری و تفکر مستقل به دانش آموزان معطوف کنند. (همان: ۲۲).

<sup>۲</sup>. نهج البلاغه، خطبه ۱۰۳

دکتر حسن شعبانی در زمینه اهمیت پرداختن به تفکر اینطور بیان می کنند: "معلم باید عشق به اندیشیدن را در شاگردان تقویت کند و شیوه اندیشیدن را به آنان بیاموزد. و مهمترین وظیفه او بازسازی اندیشه ی شاگرد می باشد. معلم باید قادر باشد که در روند فعالیت ها، باورها و اطلاعات گذشته و مورد قبول شاگردان را مورد سوال قرار دهد. شاگردان باید در جریان تعلیم و تربیت شهامت لازم را کسب کنند و استعداد خود را رشد دهند تا بتوانند در برخورد با امری تازه، در باورها و اطلاعات خود تجدید نظر کنند و آنها را دوباره بسازند تا از این راه وجود خود را به عنوان یک فرد تربیت شده تثبیت کنند" (شعبانی ۱۳۸۶: ۷۵).

تربیت عقلانی و توجه به تفکر زمینه ساز سایر انواع تربیت، از قبیل تربیت اخلاقی، سیاسی، عاطفی، اجتماعی، دینی، زیبایی شناختی و مانند آن می باشد (بهشتی، ۱۳۸۰: ۳۸).

به کار گرفتن ذهن در چالش عقلانی علاوه بر اینکه موجب لذت و موفقیت در دنیای در حال تغییر می شود، می تواند خصوصیت های اخلاقی و فضیلت ها را نیز تعالی بخشد. (فیشر، ۱۳۸۸: ۲۳)

نظر به مطالب ارائه شده در این بخش این نتیجه حاصل می شود که تفکر در دین اسلام از جایگاه والایی برخوردار است و از طرفی هم در جریان نظام های آموزشی امروزه در کشورها ی مختلف به آموزش تفکر در دانش آموزان بسیار توجه می شود و آن را به عنوان اصلی اساسی در آموزش در نظر می گیرند، و این تاکیدات، شرایط مناسبی را برای انجام پژوهش های فروان مربوط به تفکر در دوره کودکی و ابعاد مختلف آن فراهم می آورند.

و اما توجه ویژه به دوره کودکی در زمینه پرورش تفکر را بدین گونه می توان تبیین کرد:

برای موجوداتی که در طریق تغییر، تحول، رشد و تکامل هستند معمولاً موسم مناسبی وجود دارد که در آن زمان رشد آنان سریع تر صورت می گیرد. تربیت فرزند نیز موسم مناسب می طلبد که زمان آن در کودکی، نوجوانی و عنفوان جوانی است؛ آن گاه که فرزند، قلبی آسمانی دارد و هواهای نفسانی و خواهش های غیر انسانی به سرزمین پاک و بی آلایش او رسوخ نکرده اند، هنوز پلیدی ها و زنگارها میهمان ناخواسته وجود او نگشته و کشتزار دل او آماده پذیرش هر بذری است. حضرت علی علیه السلام به این مهم توجه نموده و در منشور تربیتی خویش فرموده اند: "فرزند دلبندم! چون دیدم سالیانی را پشت سر نهاده و به سستی در افتاده ام، بدین وصیت برای تو مبادرت کردم و خصلت هایی را در آن برشمردم پیش از آن که مرگ بشتابد و مرا دریابد و آنچه در اندیشه دارم به تو ناگفته ماند یا اندیشه ام هم چون تنم نقصان به هم رساند یا پیش از نصیحت من، پاره ای خواهش های نفسانی بر تو غالب گردد یا فریبندگی های دنیا تو را بفریبد و هم چون شتری گریزان و نافرمان باشی، به درستی که دل جوان هم چون زمین ناکشته است هر چه در آن افکنند بپذیرد. پس به ادب آموختنت پرداختم پیش از آن که دلت سخت شود و خردت هوایی دیگر گیرد".<sup>۱</sup>

امام علی علیه السلام در قسمت دیگری از این نامه می فرمایند؛ "چون به کار تو مانند پدری مهربان عنایت داشتیم بر ادب آموختنت همت گماشتیم، چنان دیدم که این عنایت در عنفوان جوانی و در بهار زندگانی که نیتی پاک و نفسی صاف و بی آرایش داری، به کار رود" (اسحاقی، ۱۳۸۷: ۲۲).

علاوه بر اهمیت ویژه ی دوران کودکی به منظور آموزش موثر، در تعالیم دین اسلام اهتمام ویژه ای به دوره ی دوم کودکی شده و بر اساس کلام معصومین علیه السلام هفت سالگی به عنوان شروع آموزش رسمی در نظر گرفته شده زیرا کودکان قابلیت ها و توانایی هایی را بدست می آورند که ظرفیت پذیرش آموزش های جدی تری را دارند. بنابراین در این تحقیق به جنبه هایی از این موضوع گسترده خواهیم پرداخت که شامل بررسی تفکر، روش ها و فواید پرورش آن، عوامل و موانع موثر در آن در دوره دوم کودکی بر اساس آموزه های دینی می باشد.



۱-۴. اهداف تحقیق

۱-۴-۱. هدف کلی:

بررسی تفکر در دوره دوم کودکی بر اساس آموزه های دینی.

۱-۴-۲. اهداف فرعی:

بررسی فواید پرورش تفکر در دوره دوم کودکی بر اساس آموزه های دینی.

بررسی عوامل موثر بر پرورش تفکر در دوره دوم کودکی بر اساس آموزه های دینی.

بررسی موانع موجود برای پرورش تفکر در دوره دوم کودکی بر اساس آموزه های دینی.

بررسی روش های پرورش تفکر در دوره دوم کودکی بر اساس آموزه های دینی.

۱-۵. سوال های تحقیق

۱-۵-۱. سوال اصلی:

تفکر در دوره دوم کودکی بر اساس آموزه های دینی چگونه است؟

۱-۵-۲. سوالات فرعی:

فواید پرورش تفکر در دوره دوم کودکی بر اساس آموزه های دینی چیست؟

عوامل موثر بر پرورش تفکر در دوره دوم کودکی بر اساس آموزه های دینی چیست؟

موانع موجود برای پرورش تفکر در دوره دوم کودکی بر اساس آموزه های دینی چیست؟

روش های پرورش تفکر در دوره دوم کودکی بر اساس آموزه های دینی چیست؟

## ۱-۶. تعریف مفاهیم تحقیق

## ۱-۶-۱. تفکر

راغب اصفهانی در تعریف فکر این گونه بیان می کند، الفکره: قوه مطرقة للعلم الی المعلوم و تفکر: جولان تلک القوه بحسب نظر العقل و ذلک الانسان دون الحيوان" (الراغب الاصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۶۴۳)

فکر را قوه ای می داند که علم را به سوی معلوم رهنمون می شود و تفکر به حرکت در آوردن این قوه بر اساس نظر عقل است که فقط برای انسان امکان پذیر است، نه حیوان.

جان دیوئی<sup>۱</sup> در کتاب چگونه فکر می کنیم درباره مفهوم تفکر می گوید: عملی است که در آن واقعیت موجود، موجب تایید یا تولید واقعیت های دیگر می شود، یا روشی است که در آن باورهای آینده براساس باورهای گذشته پایه گذاری می گردد. (شعبانی، ۱۳۸۲: ۴۴)

تفکر یک فرآیند است، فرآیندی که عناصر و کارکردهای مختلفی دارد. از تعامل عناصر مختلف و ترکیب کارکردهای متفاوت، اعمالی در ذهن شکل می گیرد که "تفکر" نامیده می شود. (همان)

اساساً عمل فکر کردن، چیزی جز نظم دادن به معلومات و پایه قرار دادن آنها برای کشف یک امر جدید نیست. فکر، حرکت ذهن از مقدمات به نتایج (مطهری، ۱۳۷۸، ج ۵: ۴۵) و نوعی ازدواج و تولد و تناسل در میان اندیشه هاست (همان: ۱۰۱).

تفکر جریانی است که در آن فرد می کوشد تا مسأله ای را که با آن رو به رو شده با استفاده از تجربیات قبلی خویش، حل کند (شریعتمداری، ۱۳۸۱).

منظور از تفکر در این تحقیق براساس تعریف اخیر می باشد:

تفکر جریانی است که در آن کودک سعی می کند در برخورد با مسائل جدید، با استفاده از دانش و تجربیاتی که دارد به حل آنها بپردازد.

## ۱-۶-۲. پرورش

به جریان منظم و مستمری گفته می شود که هدف آن هدایت رشد جسمانی و روانی یا به طور کلی هدایت رشد همه جانبه شخصیت پرورش یابندگان در جهت کسب و درک معارف بشری و هنجارهای مورد پذیرش جامعه و نیز کمک به شکوفا شدن استعدادهای آن ها می باشد. (سیف، ۱۳۸۸: ۳۵)

منظور از پرورش در این تحقیق رشد دادن و تقویت کردن (قوه عقلانی، تفکر و استدلال کردن) و فراهم کردن شرایط مورد نیاز برای آن می باشد.

## ۱-۶-۳. دوره کودکی

در زمینه دوران کودکی بیانات مختلفی وجود دارد که به برخی از آنها اشاره می شود: لاک<sup>۱</sup> فیلسوف بریتانیای کودک را بصورت لوح سفید<sup>۲</sup> در نظر داشت. طبق این دیدگاه، کودکان در ابتدا چیزی نیستند؛ تجربه، شخصیت آنها را شکل می دهد.

ژان ژاک رسو<sup>۳</sup> فیلسوف فرانسوی کودکان را به صورت وحشی های اصیل<sup>۴</sup> در نظر داشت که بطور طبیعی از موهبت درک درست و غلط و برنامه ای فطری برای رشد منظم و سالم برخوردارند. (برک، ۱۳۸۷: ۲۱)

در تعالیم اسلامی از منظری خاص به کودک نگریسته می شود که بسیار ارزشمند است، کودک از جایگاهی ویژه برخوردار است و از همان صدر اسلام قوانینی برای کودکان وضع شده بود که نشان دهنده این جایگاه خاص می باشد از جمله جلوگیری از قتل کودکان، مهرورزی و محبت به کودکان، احترام به شخصیت کودکان و رفتار مناسب با آن ها و توجه به تربیت کودک (سیف و دیگران، ۱۳۸۵: ۵).

کودکی اولین و مهمترین دوره زندگی آدمی است. در این دوره کودک برای نخستین بار با طبیعت رابطه برقرار می کند، روابط اجتماعی خود را بنا می نهد و به مفهومی از خود دست می یابد. از آنجا که در این دوره ساختار شخصیتی و رفتاری انسان بنیان گذاشته می شود، دوران کودکی را دوران سرنوشت ساز و مثبت دانسته اند (مفیدی، ۱۳۸۳: ۳).

دکتر علی تقی پور ظهیر در کتاب مبانی و اصول آموزش و پرورش مراحل رشدی را شامل چهار مرحله می داند، ابتدا دوره طفولیت (از تولد تا ۳۰ ماهگی)، دوره اول کودکی (از ۳۰ ماهگی تا شش سالگی)، دوره دوم کودکی (از ۷ تا ۱۱ سالگی) و دوره نوجوانی (از ۱۱ تا ۱۶ سالگی) (تقی پور ظهیر، ۱۳۸۵: ۱۷۲).

1 Joun locke

2 Tabula rasa

3. Jean Jacques rousseau

4. Noble savages

دکتر خسرو باقری در کتاب نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، براساس این آیه شریفه " الله الذی خلقکم من ضعف ثم جعل من بعد ضعف قوه ثم جعل من بعد قوه ضعفا و شیبه یخلق من یشاء و هو العلیم القدیر" سه دوره عمده در زندگی آدمی را در نظر می گیرند: دوران ضعف نخست (طفولیت)، دوران قوت و دوران ضعف نهایی که هر کدام مراحل مختلفی دارد. دوران اول شامل مرحله فعالیت و مرحله حصول قابلیت تعلیم و تأدیب می باشد (باقری، ۱۳۸۵: ۱۷۴).

با توجه به این تقسیم بندی ها منظور از دوران کودکی در این تحقیق دوره دوم کودکی یا مرحله قابلیت تعلیم و تأدیب می باشد (از حدود ۷ تا ۱۱ سالگی)، در این دوره ویژگی تازه ای در کودکان به ظهور می رسد و آن ویژگی تکلیف پذیری است و در روایات شروع تعلیم و تأدیب رسمی به فرا رسیدن آغاز این دوره یعنی ۷ سالگی موکول شده است (همان: ۱۷۵).

اطاعت، حرف شنوی و همچنین تعلیم و تأدیب از ویژگی های این دوره است، کودک با توجه به رشدی که پیدا می کند مطیع و فرمانبردار می شود و روحیه ی اطاعت پیدا می کند در این دوره بهترین فرصت هم برای تعلیم و هم برای تأدیب و آموزش مستقیم ارزش ها و پرهیز دادن از ضد ارزش ها فراهم می آید. والدین مربیان در این دوره بهترین فرصت را برای تعلیم و تربیت کودکان در اختیار دارند. (سیف و دیگران، ۱۳۸۵: ۱۳۱)

#### ۱-۶-۴. آموزه های دینی

منظور از آموزه های دینی تعالیم حاصل از وحی و نقل می باشد که در این تحقیق آیات قرآن کریم و روایات معصومین علیه السلام مد نظر می باشد.